

ارزیابی واگذاری عرصه‌های طبیعی تولید علوفه به بهره‌برداران روستایی حوزه آبخیز گلندرود

سیده حبیبه حسینی^{۱*}، غلامعلی حشمتی^۲، مریم دشتی مرویلی^۳

^۱ دانشجوی دکتری علوم مرتع دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان،

آستاد، گروه مرتعداری، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

^۲ دانشجوی دکتری علوم و مهندسی آبخیزداری دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۱۶

چکیده

واگذاری عرصه‌های طبیعی تولید علوفه به صورت طرح‌های مدون علمی می‌تواند در معیشت روستانشینان نقش بازی کرده و ارزیابی این طرح‌ها، کمک قابل توجهی به برنامه‌ریزان در جهت مشارکت بیشتر بهره‌برداران روستایی می‌نماید و منجر به حفظ و احیاء عرصه‌های طبیعت می‌شود. هدف این مطالعه بررسی اثرات واگذاری عرصه‌های طبیعی به بهره‌برداران روستایی در قالب طرح‌های مدون علمی از دیدگاه بهره‌برداران و کارشناسان می‌باشد. روش انجام این پژوهش به صورت پیمایشی است. تعداد نمونه آماری این تحقیق، با استفاده از فرمول کوکران و با روش تصادفی از ۳۷ بهره‌بردار حاضر در سامان‌های عرفی و ۴۰ کارشناس تعیین گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن و تحلیل رگرسیونی از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ انجام شد. نتایج نشان داد که بین متغیر موفقیت واگذاری عرصه‌های طبیعی تولید علوفه به بهره‌برداران در قالب طرح‌های مدون با متغیرهای مستقل آموزش بهره‌برداران، بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران (از طریق اصلاح و احیاء مراتع، از طریق تلفیق زراعت و دامداری و از طریق کمک‌های جنبی بلاعوض) در سطح احتمال ۰،۰۱ معنی‌دار است. نتایج تحلیل رگرسیونی نیز نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل ذکر شده، ۷۴ درصد عوامل مؤثر بر میزان موفقیت واگذاری عرصه‌های طبیعی تولید علوفه به بهره‌برداران روستایی را تبیین می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: طرح‌های مدون، عرصه‌های طبیعی، مشارکت بهره‌برداران روستایی.

مقدمه و بیان مسئله

(۸) و استفاده از آن به عنوان منبع مهم و اصلی تغذیه دام از قدیم الایام مرسوم بوده است (Cousins, 2000: 153). گسترش فعالیت‌های تولیدی اعم از بخش کشاورزی، منابع طبیعی و دیگر بخش‌های اقتصادی و رشد روزافزون جمعیت و تقاضا از یک سو و درهم ریختگی سامانه سنتی مدیریت جامع و عدم جایگزینی مناسب برای آن، وضعیت نامناسبی را برای عرصه‌های طبیعی تولید علوفه کشور به عنوان بخشی از حوزه آبخیز، که شالوده اساسی برخی فعالیت‌های اقتصادی مانند کشاورزی، تولید علوفه و تغذیه دام سنتی است را بوجود آورده است. از دلایل عمده تخریب عرصه‌های طبیعی تولید علوفه، این است که در زمینه حفظ، احیاء و بهره برداری از آن، بهره‌برداران روستایی مشارکت و همکاری ندارند (سپهرفر، ۱۳۷۴: ۲).

حوزه‌های آبخیز با در برداشتن عرصه‌های طبیعی تولید علوفه (مراتع) با مساحتی حدود ۸۴،۸ میلیون هکتار، جنگل‌ها حدود ۱۴،۳ میلیون هکتار (آمارنامه کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۹۲: ۱۶۰)، اکوسیستم‌های زراعی حدود ۱۸،۵ میلیون هکتار، مناطق صنعتی و مسکونی و در کل منابع آب و خاک، حیاتی‌ترین بستر توسعه پایدار محسوب می‌شوند و در حقیقت زیربنایی برای توسعه بخش‌های مختلف از جمله کشاورزی است. عرصه‌های طبیعی تولید علوفه (مراتع) بنیادی‌ترین عامل تولید در دامداری سنتی محسوب می‌شود (پاپلی یزدی و لباف خانیکی، ۱۳۷۹:

آگاهانه را به ارمغان می‌آورد و بیشترین مشارکت را فراهم می‌سازد (خلیقی و حسن‌قاسمی، ۱۳۸۰: ۹۲). بهره‌برداران نیز چون نقش مستقیم و غیرمستقیم آن را در زندگی شخصی و اجتماعی خود می‌بینند، با رضایت‌مندی، آگاهانه و داوطلبانه در برنامه‌ها مشارکت می‌نمایند (خاتون‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۰: ۴۰). اسکندری و همکاران (۱۳۸۷) نیز معتقدند در حال حاضر بسیاری از طرح‌های مدون اجرا شده، به دلیل عدم مشارکت بهره‌برداران، موفقیت‌چندانی نداشته‌اند. مدیریت عرصه‌های طبیعی تولید علوفه، باید در یک چارچوب علمی و با در نظر گرفتن حفظ منابع اصلی پایه خاک، آب، گیاه و بهره‌برداری پایدار انجام شود؛ بنابراین طرح‌های مدون به دلیل داشتن برنامه مدون علمی با اهداف فوق در مدیریت منابع طبیعی جای گرفت. در این ارتباط باید نوع تفکر و نگاه متولیان بخش منابع طبیعی در این زمینه تغییر یابد چون هر نوع سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری متمرکز و بدون حضور و مشارکت بهره‌برداران ناموفق یا با شکست مواجه می‌گردد (خاتون‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۰: ۴۱). مشارکت اجتماعات بهره‌برداران باعث ایجاد حس کمک به خود در روستا شده (Smith, 2006)، به عنوان راهبردی برای حفظ و نگهداری از ارزش‌های فرهنگی آن‌ها محسوب شده (Stenseke, 2009: 215) و فرصت‌هایی را برای وضوح هر چه بیشتر تقاضاهای بهره‌برداران روستایی برای مسئولین و دست‌اندرکاران فراهم آورده و می‌تواند پل ارتباطی بین نیازهای آن‌ها و مسئولین قلمداد شود (Coelho and Favareto, 2008:2939).

پیشینه تحقیق

باژیان (۱۳۷۴) بهترین حالت بهره‌برداری از عرصه‌های طبیعی تولید علوفه حریم روستایی را از دیدگاه دامداران روستایی در استان فارس بررسی کرد. وی با استفاده از شیوه پیمایشی، پرسش‌نامه نتیجه‌گیری کرد که بهترین حالت بهره‌برداری از مراتع، واگذاری قطعی به صورت تفکیکی است و علت این امر را انگیزه قوی مالکیت در حفاظت و

واقعیت‌های موجود در ایران بیانگر این مسئله است که عرصه‌های طبیعی تولید علوفه در حال تخریب و ویرانی بوده و با شیوه‌های کنونی بهره‌برداری، این روند همچنان ادامه خواهد داشت. اولین گام در این بحث، رعایت ظرفیت تولیدی و بهره‌برداری مجاز می‌باشد؛ اما در عرصه‌های طبیعی تولید علوفه کشور که نقشی اساسی در صنعت دامداری کشور و به‌خصوص تغذیه سنتی دام دارند، زیادی دام موجب بهره‌برداری بی‌رویه و نابودی پوشش گیاهی آن شده است. از دلایل عمده تخریب عرصه‌های طبیعی تولید علوفه و عدم موفقیت پروژه‌ها و مدیریت‌های اعمال شده در ۵ دهه گذشته در آن، عدم زمینه مناسب حفظ، احیاء و بهره‌برداری از این منابع، عدم مشارکت و همکاری بهره‌برداران روستایی در این امور می‌باشد (سپهرفر، ۱۳۷۴: ۲). تحولات دو دهه اخیر در ایران، ضرورت مشارکت بهره‌برداران در امر احیاء و مدیریت و اجرای طرح‌های مدون را ملموس نموده است. یکی از راهکارهای اصولی در ارتباط با حصول نتیجه مورد نظر در پروژه‌های منابع طبیعی کشور به ویژه عرصه‌های طبیعی تولید علوفه، توجه به امر مشارکت بهره‌برداران روستایی و تشکیل تشکل‌های مردم‌نهاد می‌باشد، چرا که از چالش‌های اساسی در حوزه‌های برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی و توسعه روستایی، مقوله مشارکت در مدیریت و بهره‌برداری از منابع است.

مفاهیم دیدگاه‌ها و مبانی نظری

مشارکت، راهبرد جدید توسعه پایدار در منابع طبیعی است (جلالی و کرمی، ۱۳۸۵: ۳۶). مشارکت بهره‌برداران روستایی در طرح‌های مدون به دلیل آشنایی مناسب با شرایط عرصه‌های طبیعی تولید علوفه، فراوانی نیروی کار و دلسوزی این افراد برای به بار نشستن این طرح‌ها برای بهبود شرایط منطقه عامل مثبتی در اثرگذاری این طرح‌ها در دستیابی به اهداف مورد نظر طرح‌ها می‌باشد. بهره‌گیری از دانش بومی در برنامه‌ریزی‌ها به خصوص در طرح‌های اصلاحی - احیایی مراتع توأم با آموزش و گسترش آگاهی بهره‌برداران، بافت سنتی را دگرگون می‌کند و نوآوری

تخریب اکثر عرصه‌های طبیعی تولید علوفه شده است؛ همچنین قوانین و حقوق مالکیت نیز بر تخریب این عرصه‌های طبیعی مؤثر می‌باشد؛ همچنین واگذاری عرصه‌های طبیعی تولید علوفه به صورت اجاره‌داری خصوصی بهترین نوع مالکیت عرصه‌های طبیعی تولید علوفه از دیدگاه آن‌ها عنوان شده است که بازده اقتصادی را به حداکثر می‌رساند و باعث حفظ و احیای آن می‌شود. مظهری و خاکسارآستانه (۱۳۸۸)، با هدف بررسی تاثیر اجرای طرح‌های مدون بر کارایی عرصه‌های طبیعی تولید علوفه، نشان دادند که طرح‌های مدون در استان خراسان رضوی باعث افزایش تولید این عرصه‌های طبیعی تا حدود دو برابر نسبت به قبل از واگذاری شده است؛ همچنین متوسط مقادیر کارایی فنی، اقتصادی و تخصیصی در طرح‌های مدون مورد مطالعه به ترتیب ۸۰، ۳۵ و ۴۰ درصد محاسبه شده است. بررسی عوامل مؤثر بر عدم کارایی فنی طرح‌های مدون نیز نشان داد که متغیرهای دریافت وام، وسعت عرصه‌های طبیعی تولید علوفه، تعداد ساعات آموزش و مدت زمان اجرای طرح تأثیر مثبت و متغیر تعداد بهره‌بردار تأثیر منفی بر روی کارایی فنی مرتع‌داران دارند. جوادی و همکاران (۱۳۸۸)، در تحقیق خود به منظور تحلیل اقتصادی واگذاری مالکیت ای طبیعی تولید علوفه در قالب طرح‌های مدون، نشان دادند که رابطه بین متغیرهای سواد بهره‌برداران، آموزش بهره‌برداران، بالابردن توان اقتصادی خانوار بهره‌برداران از طریق اعتبارات، بالابردن توان اقتصادی خانوار بهره‌برداران از طریق اصلاح و احیاء مراتع و بالابردن توان اقتصادی خانوار بهره‌برداران از طریق تلفیق زراعت و دامداری، کاهش دام، قوانین کارآمد اجرایی و بالابردن توان اقتصادی خانوار بهره‌برداران از طریق تولیدی با متغیر میزان موفقیت واگذاری مالکیت عرصه‌های طبیعی تولید علوفه در قالب طرح‌های مدون مثبت می‌باشد؛ همچنین نشان دادند که نظر کارشناسان و مرتع‌داران در خصوص میزان موفقیت در واگذاری مالکیت عرصه‌های طبیعی تولید علوفه در قالب طرح‌های مدون اختلاف معنی‌داری وجود ندارد. مطالعات زیادی در

احیای مراتع می‌داند. او همچنین شناسایی وضعیت موجود و به رسمیت شناختن بهره‌برداران فعلی و روش پروانه چرای به صورت مشاعی را بهترین روش حق بهره‌برداری از مراتع حریم روستایی بیان کرده است. عبدالله‌پور (۱۳۷۶) عدم عامل عدم سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی جهت احیاء و توسعه آن را در عدم تعیین مالکیت عرصه‌های طبیعی تولید علوفه می‌داند و اظهار می‌دارد مشاعی بودن بهره‌برداری علت اصلی تخریب، یعنی چرای زودرس و چرای مفراط می‌شود. رضانی (۱۳۷۷) روند واگذاری عرصه‌های طبیعی تولید علوفه را از دیدگاه مرتع‌داران و کارشناسان در استان فارس، به صورت طرح‌های مدون ۳۰ ساله بررسی کرد. وی اظهار می‌دارد؛ نه مرتع‌داران و نه کارشناسان اعتقادی به احیاء و اصلاح مراتع در قالب طرح‌های مدون ۳۰ ساله ندارند. ایشان بهترین حالت مالکیت را از نظر مرتع‌داران واگذاری قطعی مراتع می‌داند که در صورت واگذاری قطعی مراتع، عملیات اصلاحی به بهترین وجه انجام خواهد گرفت؛ همچنین بهترین حالت مالکیت را از نظر کارشناسان، صدور پروانه چرای می‌داند که در این صورت، میزان نظارت دولت بر عرصه‌های طبیعی تولید علوفه زیادتز می‌شود. نورعینی (۱۳۸۵) نشان داد بهره‌برداران، واگذاری عرصه‌های طبیعی تولید علوفه را در قالب طرح مدون مشاع نسبت به حالت تفکیکی ترجیح می‌دهند که این امر نشان می‌دهد بهره‌برداران، همچنان به نظارت دولت و کارشناسان نسبت به مسائل دامداری معتقدند و تمایل دارند تابع مراجع دولتی باشند و ایشان عامل پذیرش بهتر طرح مدون مشاعی را وجود نسبت‌های فامیلی و قومی در نزد دامداران می‌داند. اسرانکوما و فورد رانگه^۱ (۱۹۹۸) در مطالعه‌ای به بررسی علل و عوامل تخریب عرصه‌های طبیعی تولید علوفه واگذار شده به بخش خصوصی در غرب کشور اوگاندا و شناخت عوامل فنی و اقتصادی مؤثر بر احیای آن‌ها پرداختند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که عوامل فنی از قبیل چرای بیش از حد و نوع دام باعث

1. Sserunkuma and Ford Runge

۴۰ مورد بوده است. متغیر وابسته این تحقیق میزان موفقیت واگذاری مالکیت عرصه‌های طبیعی تولید علوفه در قالب طرح‌های مدون بوده و متغیرهای مستقل تحقیق شامل: کاهش دام، سواد بهره‌برداران، آموزش بهره‌برداران، مشارکت مردمی، قوانین کارآمد اجرایی، کاهش هرم قدرت سالمندان، گسترش هرم قدرت سالمندان، بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران از طریق اعتبارات، بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران از طریق طرح‌های تولیدی، بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران از طریق کمک‌های جنبی بلاعوض، بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران از طریق اصلاح و احیاء عرصه‌های طبیعی تولید علوفه، بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران از طریق اصلاح نژاد و توسعه دام و بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران از طریق تلفیق زراعت و دامداری می‌باشد. بعد از جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسش‌نامه، داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. در مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا از نظر ویژگی‌های جامعه آماری از طریق آمار توصیفی نظیر فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار برای بیان ویژگی‌های فردی بهره‌برداران روستایی استفاده شد. سپس در تحلیل داده‌ها در بخش آمار استنباطی از آزمون‌های من ویت نی^۱ و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

معرفی محدوده مورد مطالعه

منطقه مورد مطالعه بخش‌هایی از حوزه آبخیز رودخانه گلندرود در عرصه‌های طبیعی تولید علوفه لوس کوه، مونسرا، یاخلی و گاوسراچال، نشو، پس پرس در زون البرز مرکزی با متوسط ارتفاع ۲۴۰۰ متر از سطح دریا در شهرستان نوشهر با پوشش اولیه جنگل‌های تنک می‌باشند و در فاصله ۸۵ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان نوشهر و ۶۰ کیلومتری شهر رویان قرار گرفته و از عرصه‌های طبیعی تولید علوفه استان مازندران می‌باشند. با توجه به عدم وجود ایستگاه باران سنجی در منطقه از آمار نزدیکترین ایستگاه، کجور که دارای ارتفاع و شرایطی تقریباً

زمینه ابعاد مختلف واگذاری عرصه‌های طبیعی تولید علوفه (مراعات) در قالب طرح مدون به بهره‌برداران روستایی نیاز است، تا با بررسی دیدگاه بهره‌برداران و کارشناسان منابع طبیعی، ارزیابی مناسبی صورت پذیرد و در صورت اجراء باعث حفظ و احیای عرصه‌های طبیعی شود.

روش تحقیق

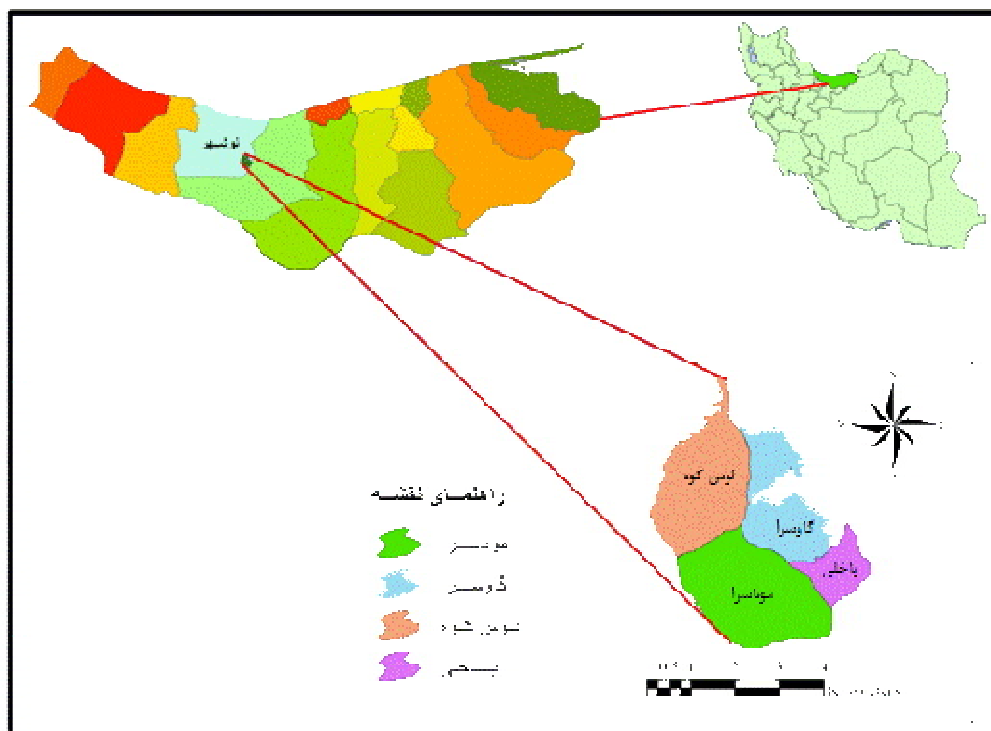
روش انجام این پژوهش به صورت پیمایشی است و از پرسش‌نامه به منظور جمع‌آوری اطلاعات لازم استفاده شده است. طراحی این پرسش‌نامه‌ها از مطالعات سایر پژوهشگران و بر اساس اهداف، پرسش‌ها و فرضیات تحقیق انجام گرفت. به منظور دستیابی به اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پیش‌نگاشته‌ها، فرضیه‌ها و پرسش‌های تحقیق، پرسش‌نامه تهیه شد. فهرست کل دامداران دارای پروانه چرا، براساس لیست شناسه طرح مدون اداره کل منابع طبیعی نوشهر که مورد قبول بهره‌برداران می‌باشد، مشخص گردید و سامان‌های عرفی انتخاب شد. ابزار دیگر تحقیق، طرح‌های مدون و داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده از سازمان‌ها و ادارات می‌باشد. در نهایت با استفاده از نظرات اساتید و افراد صاحب نظر در این رشته پرسش‌نامه نهایی تهیه و تدوین گردید. نمونه گروه کوچکتری از جامعه است که برای تجزیه و تحلیل انتخاب شده است (سرمد و همکاران، ۱۳۸۳: ۳۲۴). تعداد نمونه آماری این تحقیق با استفاده از فرمول کوکران^۱ و با روش تصادفی تعیین گردید. تعداد کل بهره‌برداران روستایی ذی‌حق سامان‌های عرفی مورد مطالعه ۵۰ نفر می‌باشند که تمامی آن‌ها دارای شیوه بهره‌برداری مشاعی هستند. با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۴۴ بهره‌بردار به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. در حین پرسش‌نامه نهایت تعداد ۳۷ بهره‌بردار در سامان‌های عرفی حضور داشتند؛ بنابراین پرسش‌نامه با همین افراد تکمیل و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این تحقیق تعداد جامعه آماری کارشناسان، بر اساس سرشماری به تعداد

1. Chocran

2. Mann-Whitney

علف‌پشمکی (*Bromus persicus*)، علف‌باغی (*Heracleum*)، گلپر (*Dactylis glomerata*)، ازگیل (*Mespilus germanica*)، اوری (*Festuca*)، علف‌گوسفندی (*Quercus macranthera*) می‌باشند. دام‌های دامداران اغلب گاو و گوسفند می‌باشد. نحوه بهره‌برداری آن‌ها از مراتع (بعثت وضع مالی آن‌ها) به صورت مشاع (مشترک) بوده و زمان بهره‌برداری ۱۲۰ روزه است که از اوایل تیر ماه دامداران دام خود را وارد مراتع می‌کنند و اواخر مهر ماه از آن خارج می‌شوند.

مشابه منطقه است، استفاده گردید. میانگین بارندگی سالانه ۴۰۰-۵۰۰ میلی‌متر و بیشترین بارندگی در ماه‌های اردیبهشت و خرداد صورت می‌گیرد و اقلیم منطقه براساس روش آمبرژه سرد کوهستانی است. میانگین حداقل و حداکثر درجه حرارت ماهانه در دی و مرداد ماه به ترتیب ۴/۱- و ۲۸/۴ می‌باشد. متوسط درجه حرارت سالانه ۱۲/۱۷ درجه سانتی‌گراد است. خاک از نظر بافت لومی و شنی لومی می‌باشد که جزء خاک‌های نیمه سبک بوده و عمق خاک سطح الارض مراتع مربوطه بین ۱۰-۸۰ سانتی‌متر و سنگ مادر از نوع آهکی می‌باشد. گیاهان غالب شامل گونه‌های



شکل ۱: نقشه موقعیت منطقه مورد مطالعه

با بیشترین فراوانی (۲۴ نفر)، بی‌سواد هستند (جدول ۲). از نظر بُعد خانوار حدود ۷۵/۵ درصد بهره‌برداران کمتر از ۵ نفر تحت تکفل دارند (جدول ۳). درخصوص سابقه دامداری و بهره‌برداری از عرصه‌های طبیعی تولید علوفه نتایج نشان می‌دهد که حدود ۲۴/۴ درصد بهره‌برداران بیش از ۵۰ سال سابقه دارند و میانگین سابقه بهره‌برداران ۴۱/۲ سال است (جدول ۴).

یافته‌های تحقیق

آمار توصیفی: نتایج حاصل از نظرات پاسخگویان نشان می‌دهد که ۴۶ درصد آن‌ها بین ۴۴-۶۰ سال سن دارند، یک سوم بهره‌برداران در رده سنی ۶۱-۸۵ هستند و میانگین سن بهره‌برداران منطقه بیشتر از ۵۵ سال می‌باشد (جدول ۱). داده‌ها بیانگر این است که بیش از ۵۰ درصد (۶۶/۹ درصد) بهره‌برداران منطقه

میلیون تومان هستند و تنها ۲۱/۷ درصد بهره‌برداران میزان درآمدی بیش از ۷ میلیون تومان دارند. حدود ۳۰ درصد بهره‌برداران نیز دارای درآمد سالیانه کمتر از ۴ میلیون تومان هستند (جدول ۶).

بنابراین دامداران منطقه به‌صورت سنتی دامدار منطقه هستند. از نظر وضعیت اشتغال، شغل اصلی ۳۴ نفر (۹۱/۹ درصد) از بهره‌برداران دامداری است (جدول ۵). از نظر میزان درآمد سالیانه بهره‌برداران، ۴۸/۶ درصد بهره‌برداران دارای درآمد سالیانه بین ۴-۶

جدول ۱: توزیع فراوانی بهره‌برداران برحسب گروه سنی

گروه سنی	تعداد	درصد	درصد تجمعی	میانگین	انحراف از معیار
۴۳-۲۷	۸	۲۱/۶	۲۱/۶		
۶۰-۴۴	۱۷	۴۶	۶۷/۶	۵۵/۵۱	۱۵/۷
۸۵-۶۱	۱۲	۳۲/۴	۱۰۰		
جمع	۳۷	۱۰۰			

جدول ۲: توزیع فراوانی بهره‌برداران برحسب سطح تحصیلات

سطح سواد	تعداد	درصد	درصد تجمعی	میانگین	انحراف از معیار
بی‌سواد	۲۴	۶۶/۹	۶۶/۹		
ابتدایی	۶	۱۶/۲	۸۱/۱	۱/۷۵	۱/۳
راهنمایی	۳	۶/۱	۸۹/۲		
متوسطه و بالاتر	۴	۱۰/۸	۱۰۰		
جمع	۳۷	۱۰۰			

جدول ۳: توزیع فراوانی بهره‌برداران براساس بعد خانوار

بعد خانوار	تعداد	درصد	درصد تجمعی	میانگین	انحراف از معیار
تعداد افراد	۲	۲	۵/۶	۵/۴	
	۳	۱۶	۴۲/۲	۴۸/۵	۳/۷
	۴	۱۰	۲۷	۷۵/۵	
	۹ > ۵	۲۴/۳	۱۰۰		
جمع	۳۷	۱۰۰			

جدول ۴: توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه براساس سابقه دامداری و بهره‌برداری

بعد خانوار	سابقه	تعداد	درصد	درصد تجمعی	میانگین	انحراف از معیار
تعداد افراد	۱۲	۳۰-۱۰	۳۲/۴	۳۲/۴		
	۱۶	۵۰-۳۱	۴۳/۲	۷۵/۲	۴۱/۲	۱۵/۸
	۹	۷۰-۵۱	۲۴/۲	۱۰۰		
جمع	۳۷		۱۰۰			

جدول ۵: توزیع بهره‌برداران براساس اشتغال

وضعیت شغل	تعداد	درصد	میانگین	انحراف از معیار
دامداری	۳۴	۹۱/۹		
دامداری و کشاورزی	۳	۸/۱	۱/۱۶	۰/۵۵
جمع	۳۷	۱۰۰		

جدول ۶: میزان درآمد سالیانه بهره‌برداران

انحراف از معیار	میانگین	درصد	تعداد	میزان درآمد سالانه	
		۲۹/۷	۱۱	کمتر از ۴	میزان درآمد سالانه (میلیون تومان)
۱/۳۸	۵/۲۷	۴۸/۶	۱۸	۴/۱ - ۶	
		۲۱/۷	۸	بیش از ۶	
			۱۰۰	۳۷	جمع

سطح عرصه‌های طبیعی مورد تعلیف دام قرار گیرد، دامداران با توجه به تعداد دام و وضعیت مرتع در هر سامان عرفی، مراتع را بین خودشان تقسیم کردند. نتایج حاصل از سنجش میدانی و اطلاعات طرح‌های مدون نشان می‌دهد که حدود ۷۵ درصد از عرصه‌های طبیعی تولید علوفه منطقه در محدوده اطراف روستا (حداکثر در فاصله ۲ کیلومتری) قرار دارند. نتایج در رابطه با توزیع تعداد دام مجاز هر بهره‌بردار، حاکی از آن است که حدود ۵۹/۵ درصد بهره‌برداران منطقه براساس برآورد کارشناسان دارای تعداد دام کمتر از ۱۵۰ واحد دامی دام داشته باشند و تنها حدود ۱۰ درصد بهره‌برداران بیش از ۳۰۰ واحد دامی داشته باشند (جدول ۸).

متوسط سن کارشناسان مورد مطالعه برابر ۳۵ سال و بیشترین فراوانی آن‌ها مربوط به طبقه سنی ۲۴ تا ۵۰ سال بوده است. میزان تحصیلات ۶۰ درصد آنان دارای مدارک لیسانس و ۲۵ درصد آنان دارای مدرک فوق لیسانس و ۱۵ درصد دارای مدرک تحصیلی دکترا بوده و جنسیت آنان زن و مرد بوده است.

نتایج حاصل از سنجش میدانی و اطلاعات طرح‌های مدون (طرح‌های مرتعداری) نشان می‌دهد سطح مراتع حدود ۸۹/۲ درصد بهره‌برداران منطقه کمتر از ۳۲ هکتار بوده و حدود ۲/۷ درصد بهره‌برداران منطقه دارای ۵۶-۷۹ هکتار مرتع هستند و نزدیک به ۵/۴ درصد بهره‌برداران روستایی منطقه نیز بیش از ۷۹ هکتار مرتع دارند (جدول ۷). برای این که تمام

جدول ۷: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وسعت مراتع در سامان‌های عرفی منطقه

انحراف از معیار	میانگین	درصد		سهم مراتع بهره‌برداران (هکتار)	متغیر
		درصد تجمعی	درصد		
۰/۷۶	۱/۲۴	۸۹/۲	۸۹/۲	<۳۲	سهم مرتع بهره‌برداران (هکتار)
		۹۱/۹	۲/۷	۵۵-۳۳	
		۹۴/۲	۲/۷	۷۹-۵۶	
		۱۰۰	۵/۴	۷۹<	
		۱۰۰		جمع	

جدول ۸: وضعیت تعداد دام مجاز هر بهره‌بردار

انحراف از معیار	میانگین	درصد تجمعی	درصد	تعداد	تعداد دام	
			۵۹/۵	۵۹/۵	<۱۵۰	تعداد دام مجاز هر بهره‌بردار
۱۵/۴۳	۱۵۴	۸۹/۲	۱۱	۱۱	۳۰۰-۱۵۱	
			۱۰/۸	۴	>۳۰۱	
			۱۰۰	۳۷		جمع

در قالب طرح‌های مدون، نتایج بررسی دیدگاه مرتعداران و کارشناسان نشان داد که میزان موفقیت در

آمار استنباطی: در خصوص میزان موفقیت واگذاری عرصه‌های طبیعی تولید علوفه به بهره‌برداران روستایی

شد. با استفاده از متغیرهای مؤثر در میزان موفقیت واگذاری عرصه‌های طبیعی تولید علوفه به بهره‌برداران روستایی، اقدام به توسعه مدل‌های چندگانه خطی در سطح ۱ درصد شد. نتایج نشان داد که ضریب همبستگی اسپیرمن بین متغیرهای آموزش بهره‌برداران، بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران از طریق اصلاح و احیاء مراتع، بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران از طریق تلفیق زراعت و دامداری و بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران از طریق کمک‌های جنبی بلاعوض؛ با میزان موفقیت واگذاری عرصه‌های طبیعی تولید علوفه به بهره‌برداران روستایی در قالب طرح‌های مدون در سطح احتمال ۰/۰۱ معنی‌دار است.

زمینه خصوصی‌سازی عرصه‌های طبیعی در قالب طرح‌های مدون مطلوب بوده بطوری که بیشتر مرتعداران و کارشناسان با طرح‌های مدون موافق بوده‌اند. نتیجه حاصل از آزمون من-ویتنی (Mann-Whitney) نشان داد که بین دیدگاه کارشناسان و بهره‌برداران در خصوص میزان موفقیت واگذاری مالکیت عرصه‌های طبیعی تولید علوفه در قالب طرح‌های مدون اختلاف معنی‌داری وجود ندارد (Sig = ۰/۰۸۴).

از روش همبستگی اسپیرمن، میزان تاثیر و معنی‌داری هر یک از متغیرهای مستقل با میزان موفقیت واگذاری عرصه‌های طبیعی تولید علوفه به بهره‌برداران روستایی در قالب طرح‌های مدون تعیین

جدول ۹: ضریب همبستگی اسپیرمن بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

معنی‌داری	ضریب همبستگی	متغیر
۰/۰۰۵	۰/۶۵۸**	آموزش بهره‌برداران
۰/۰۴۵	۰/۳۹۹*	کاهش دام
۰/۳۵۵	۰/۱۵۶ ^{NS}	مشارکت مردمی
۰/۲۱۷	-۰/۲۱۳ ^{NS}	قوانین کارآمد اجرایی
۰/۱۱۶	۰/۳۱۶ ^{NS}	کاهش هرم قدرت سالمندان
۰/۳۳۸	-۰/۲۲۵ ^{NS}	گسترش هرم قدرت سالمندان
۰/۰۰۰	۰/۸۲۵**	بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران از طریق اصلاح و احیاء مراتع
۰/۰۰۴	۰/۷۲۲**	بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران از طریق تلفیق زراعت و دامداری
۰/۰۰۰	۰/۴۵۵*	بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران از طریق اعتبارات
۰/۳۵۴	۰/۱۳۱ ^{NS}	بالا بردن توان اقتصادی خانوار بهره‌برداران از طریق طرح‌های تولیدی
۰/۲۶۹	۰/۱۳۶ ^{NS}	بالا بردن توان اقتصادی خانوار بهره‌برداران از طریق اصلاح نژاد و توسعه دام
۰/۰۴۵	۰/۵۵۴**	بالا بردن توان اقتصادی خانوار بهره‌برداران از طریق کمک‌های جنبی بلاعوض

NS، *، ** و - به ترتیب نشان‌دهنده عدم معنی‌داری، معنی‌داری در سطوح احتمال ۰/۰۵ و ۰/۰۱ و همبستگی منفی

داشته‌اند، بدست آمد. با توجه به ضرایب جدول ۱۱، معادله خط رگرسیون در گام چهارم ۱/۱۲ - X4 + ۰/۲۲ + ۰/۳۱X3 + ۰/۴۱X2 + ۰/۴۸X1 = Y و معادله استاندارد آن X4 + ۰/۱۸ + ۰/۲۴X3 + ۰/۳۴X2 + ۰/۴۱X1 = Y است. نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل ذکر شده در جدول زیر، ۷۴ درصد عوامل مؤثر بر میزان موفقیت واگذاری عرصه‌های طبیعی تولید علوفه به بهره‌برداران روستایی را تبیین می‌کنند.

در تحلیل رگرسیون با استفاده از روش گام به گام اقدام به توسعه مدل‌های چندگانه خطی در سطح ۱ درصد شد. نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام نشان داد که به ترتیب چهار متغیری که بیشترین همبستگی را با میزان موفقیت واگذاری عرصه‌های طبیعی تولید علوفه به بهره‌برداران روستایی داشته‌اند وارد معادله رگرسیون چند متغیره گردیدند که بهترین معادله پس از وارد شدن هر چهار متغیر مستقلی که بیشترین همبستگی را با متغیر وابسته

جدول ۱۰: ضرایب رگرسیونی و تجزیه واریانس رگرسیون

مرحله	متغیرها	R	R Square	Adjusted R Square	F	Sig
۱	بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران از طریق اصلاح و احیاء مراتع	۰/۷۹	۰/۶۵	۰/۶۴	۶۴/۳۵**	۰/۰۰۰
۲	بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران از طریق تلفیق زراعت و دامداری	۰/۸۱	۰/۶۹	۰/۷۰	۵۲/۴۵**	۰/۰۰۰
۳	آموزش بهره‌برداران	۰/۸۲	۰/۷۲	۰/۷۰	۴۸/۳۹**	۰/۰۰۱
۴	بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران از طریق کمک‌های جنبی بلاعوض	۰/۸۵	۰/۷۴	۰/۷۳	۴۰/۴۴**	۰/۰۰۰

** نشان‌دهنده معنی‌داری در سطح احتمال ۰/۰۱

جدول ۱۱: ضرایب رابطه رگرسیونی و آزمون معنی‌دار بودن آن‌ها

مرحله	متغیر	ضریب غیر استاندارد B	ضریب استاندارد Beta	آماره t	معنی‌داری
اول	بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران از طریق اصلاح و احیاء مراتع	۰/۷۶۵	۰/۶۸۴	۷/۳۶	۰/۰۰۰
دوم	بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران از طریق اصلاح و احیاء مراتع	۰/۵۸۴	۰/۴۹۵	۴/۱۳	۰/۰۰۰
	بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران از طریق تلفیق زراعت و دامداری	۰/۵۳۵	۰/۴۴۵	۰/۸۴	۰/۰۰۱
سوم	بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران از طریق اصلاح و احیاء مراتع	۰/۵۲۵	۰/۴۸۵	۴/۰۸	۰/۰۰۰
	بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران از طریق تلفیق زراعت و دامداری	۰/۴۴۵	۰/۳۷۲	۳/۶۵	۰/۰۰۱
	آموزش بهره‌برداران	۰/۳۱۵	۰/۲۷۰	۲/۹۵	۰/۰۰۵
چهارم	بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران از طریق اصلاح و احیاء مراتع	۰/۴۸۵	۰/۴۱۵	۴/۵۶	۰/۰۰۰
	بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران از طریق تلفیق زراعت و دامداری	۰/۴۱۲	۰/۳۴۵	۳/۲۸	۰/۰۰۳
	آموزش بهره‌برداران	۰/۳۱۲	۰/۲۴۵	۲/۳۹	۰/۰۲۸
	بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران از طریق کمک‌های جنبی بلاعوض	۰/۲۲۵	۰/۱۸۰	۱/۸۵	۰/۰۳۹

بحث اصلی

اغلب برنامه‌ریزی‌هایی که تاکنون برای عرصه‌های طبیعی تولید علوفه کشور طرح‌ریزی شده، اگر چه برای بهره‌برداران روستایی بوده ولی متأسفانه از پشتوانه آن‌ها برخوردار نبوده و بازده مناسبی نداشته است. از آنجایی که فراهم آوردن بستر فرهنگی در میان بهره‌برداران روستایی برای پذیرش اصلاحات و تغییرات و همچنین ایجاد حس اطمینان و اعتماد سازمان‌های اجرایی ذی‌ربط از طریق ترویج و جلب

مشارکت بهره‌برداران روستایی در امور مختلف از الزامات اولیه محسوب می‌شود، تهیه و اجرای هر طرحی در هر منطقه باید با در نظر گرفتن مسایل اقتصادی و اجتماعی و شناسایی نیازها، علایق، آداب و رسوم، دانش بومی و استعدادهای منطقه صورت گیرد؛ همچنین توصیه می‌شود برای موفقیت بیشتر در برنامه‌های مدیریتی یا پروژه‌های اصلاحی و احیایی به روش‌هایی که با شرایط اکولوژیک و وضعیت اقتصادی و اجتماعی بهره‌برداران و سامان‌های عرفی آن‌ها

منطبق باشد، برای اجرای طرح‌ها مورد توجه شود. حسین پور (۱۳۷۲) نیز معتقدند توجه به فرهنگ‌ها و نیازهای اساسی بهره‌برداران باعث افزایش مشارکت خواهد شد. مطلوب است قبل از تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای طرح‌های مختلف منابع طبیعی، مطالعات اقتصادی-اجتماعی در منطقه طرح، بطور دقیق صورت گیرد و در صورت قابل قبول بودن پیش‌بینی بازدهی اقتصادی طرح‌ها، اجرای پروژه‌ها در منطقه صورت گیرد تا هزینه و زمان استفاده شده برای طرح بهینه باشد؛ به همین دلیل بعد از گذشت زمانی طولانی که مدیریت منابع طبیعی بر اساس برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری دولتی انجام می‌پذیرفت، تغییر شکل داده و به صورت مشارکت و استفاده بخش خصوصی (تعاونی‌ها و اشخاص حقیقی) اداره خواهند شد. بدیهی است که در سالیان اولیه شروع طرح‌ها و مکانیسم بهره‌جویی از مشارکت مردمی تنش‌های بی‌شماری متوجه کارگزاران منابع طبیعی، حوزه‌های آبخیز و مجریان طرح‌ها خواهد نمود که با گذشت زمان و رفع نارسایی‌ها، حرکت مدیریت نوین منابع طبیعی و حوزه‌های آبخیز به شکل پویا ادامه خواهد یافت (اسکندری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰۱). بهترین مکانیسم ارایه خدمات و انجام اصلاح و احیاء منابع طبیعی اعطای اعتبار و انجام پروژه‌ها توسط خود بهره‌برداران روستایی می‌باشد، به طوری که دولت و کارگزاران فقط نقش نظارتی و هدایتی داشته باشند و در نهایت در چنین پروژه‌هایی حمایت‌های دولتی می‌تواند ضامن اجرای بهتر آن شود. این خود نیاز به مشارکت بهره‌برداران روستایی را در موفقیت پروژه‌ها را از دیدگاه مسئولان و برنامه‌ریزان مشخص می‌کند.

از آنجائی که بهره‌برداران منطقه مورد مطالعه اکثراً از وضعیت اقتصادی خوب برخوردار نبوده و سرمایه گذاری در عرصه‌های طبیعی تولید علوفه نیز دیربازده است، می‌بایست جهت اجرای مفید طرح‌های مدون و حفظ و احیای عرصه‌های طبیعی تولید علوفه، تسهیلات اعتباری در اختیار آن‌ها قرار داده شود؛ همچنین به منظور تضمین سرمایه‌گذاری مرتع‌داران، میتوان با آموزش صنعت بیمه اقدام مؤثر در تضمین

سرمایه‌گذاری در عرصه‌های طبیعی را ایجاد کرد. عباسی (۱۳۷۵) در بررسی کارشناسی موانع و مشکلات اجتماعی طرح‌های مدون در استان مرکزی، عدم توان مالی دامداران را به عنوان یکی از موانع اجرای صحیح طرح‌های مدون گزارش و پیشنهاد نموده است که با تبدیل طرح‌ها به واحد اقتصادی و در اختیار قرار دادن تسهیلات بانکی این مانع برطرف می‌گردد. خلیقی و چکشی (۱۳۸۴) نیز نقش عوامل اقتصادی بهره‌برداران بر میزان مشارکت آنان را در اجرای طرح‌های اصلاحی عرصه‌های منابع طبیعی بررسی نمودند و نتیجه گرفتند که میزان درآمد سالانه در روند مشارکت بهره‌برداران روستایی نقش داشته است. رحیمی (۱۳۷۷) نیز در مطالعات پرسش‌نامه‌ای خود در ارتباط با اجرای طرح‌های مدون در استان فارس، به این نتیجه رسیده‌اند که عوامل تولید مورد استفاده در طرح‌های مدون مانند کود، بذر، کارگر و سرمایه همگی اثرات مثبت بر تولید علوفه در این عرصه‌های طبیعی داشته‌اند.

رابطه بین متغیرهای آموزش بهره‌برداران، بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران از طریق اصلاح و احیاء عرصه‌های طبیعی، بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران از طریق تلفیق زراعت و دامداری و بالا بردن توان اقتصادی بهره‌برداران از طریق اعتبارات، با متغیر میزان موفقیت واگذاری عرصه‌های طبیعی به بهره‌برداران روستایی در قالب طرح‌های مدون مثبت بدست آمده است که با نتایج جوادی و همکاران (۱۳۸۸) مطابقت دارد. یعنی در طراحی و اجرای طرح‌های مدون توسط بهره‌برداران روستایی، هر چه به متغیرهای اشاره شده بیشتر توجه شود، میزان موفقیت طرح‌ها بیشتر خواهد شد. اکثر بهره‌برداران دارای گروه سنی بالا با سطح سواد کم بوده و با پروژه‌های اصلاح و احیاء آشنایی خیلی کمی دارند، بنابراین آگاه‌سازی و انجام برنامه‌های آموزشی و ترویجی در این زمینه می‌تواند مناسب باشد. بنابر مطالعات حسینی‌نسب (۱۳۸۹) سطح سواد و تحصیلات را می‌توان یکی از معیارهای آگاهی و دانش مردم هر منطقه دانست. محرومیت آموزشی به عنوان پایه ضعف فرهنگی در بطن جوامع

فعالیت‌های حفظ و احیاء، که خود به عنوان معیارهای عملکرد این شیوه مدیریتی هستند، نسبت به سایر روش‌های بهره‌برداری موفقیت بالایی دارند.

نتیجه‌گیری

در مجموع می‌توان گفت به‌عنوان یک گزینه مدیریتی، واگذاری عرصه‌های طبیعی تولید علوفه در قالب طرح‌های مدون به بهره‌برداران روستایی از طریق ایجاد انگیزه به بهره‌برداران روستایی و تا حدودی جلب مشارکت آن‌ها در حفظ و بهره‌برداری معقول‌تر و اصولی‌تر از عرصه‌های طبیعی اثر بخش می‌باشد (توکلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۹). در این رابطه رشد نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری در این طرح‌ها می‌تواند انگیزه بسیار مناسبی برای افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بوجود آورده و باعث مشارکت بیشتر بهره‌برداران روستایی در حفظ و احیاء منابع طبیعی به خصوص بخش مراتع گردد. در نهایت، باید گفت طرح مدون واگذار شده فقط براساس یک برنامه کوتاه مدت نتایج مورد انتظار را ارائه نداده و برای موفقیت هرچه بیشتر آن باید بر مبنای یک برنامه بلند مدت برنامه‌ریزی و اجرا گردند و نظارت مستمر بر فرایند اجرای طرح‌های واگذار شده از سوی ناظران مجرب تا زمان توانمند ساختن بهره‌برداران روستایی از طریق اعطای تسهیلات کم‌بهره به منظور رسیدن به سطح مطلوبی از آگاهی‌های فنی و اقتصادی ضروری بوده و باید ادامه یابد. همچنین معرفی فرصت‌های شغلی جدید در زمینه تولیدات دامی، باغداری و اکوتوریسم و ... می‌تواند در توانمند ساختن بهره‌برداران روستایی موثر باشد.

منابع

۱. اسکندری، نگهدار. عسگر علیزاده و فاطمه مهدوی. ۱۳۸۷. سیاست‌های مرتعداری در ایران. دفتر فنی مرتع، انتشارات پونه، ۱۸۸ص.
۲. باژیان، غلامرضا. ۱۳۷۴. بهترین حالت بهره‌برداری از مراتع حریم روستایی از دیدگاه دامداران روستایی. مجله پژوهش و سازندگی، دوره پنجم، شماره بیست و هفتم، ۵۷-۵۲.

سنتی می‌باشد و سواد یکی از معیارهایی است که برای پیشرفت اجتماعی-اقتصادی جوامع مورد توجه متخصصان اجتماعی است. بی‌سوادی بهره‌برداران منطقه با سن، همسو است. به‌طور کلی نتایج نشان می‌دهد بی‌سوادی یا کم‌سوادی بهره‌برداران در منطقه مورد مطالعه رو به افزایش بوده است، در چنین شرایط به نظر می‌رسد همراه با بکارگیری از دانش بومی، باید تمهیداتی جهت کاهش نرخ بی‌سوادی مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد تا زمینه مشارکت بیشتر جهت تحول مثبت اقتصادی و اجتماعی فراهم شود. هرچه تعداد ساعات آموزش مرتعداران افزایش یابد، کارایی فنی طرح‌های مدون (طرح‌های مرتعداری) نیز افزایش می‌یابد؛ بنابراین یکی از اقدامات مفید جهت جلوگیری از تخریب عرصه‌های طبیعی تولید علوفه را باید در آموزش بهره‌برداران و ترویج اصول صحیح استفاده از عرصه‌های طبیعی دانست. این نتیجه با تحقیق جوادی و همکاران (۱۳۸۸) و مظهری و خاکسارآستانه (۱۳۸۸) مطابقت دارد. نتایج تحقیق محبویی و میردامادی (۲۰۰۴) نیز نشان داد بین آگاهی از تأثیرات عملیات حفاظت آب و خاک، تعداد دوره‌های آموزشی و مقدار اطلاعات اخذ شده از رادیو و جزوه‌های آموزشی با پذیرش و مشارکت بهره‌برداران در طرح‌ها رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد؛ بنابراین توصیه می‌شود با اجرای برنامه‌های آموزشی-ترویجی و همچنین با برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی آگاهی مرتعداران را در زمینه اجرای طرح‌های مدون بالا برد. یکی از مشکلات در اجرای مؤثر طرح‌های مدون در قالب واگذاری به بهره‌برداران روستایی، عدم احساس مالکیت و عدم وجود اطمینان خاطر جهت سرمایه‌گذاری در عرصه‌های طبیعی از سوی مرتعداران است؛ بنابراین با واگذاری قطعی عرصه‌های طبیعی تولید علوفه می‌توان میزان سرمایه‌گذاری مرتعداران را برای حفظ و احیای آن افزایش داد (مظهری و خاکسارآستانه، ۱۳۸۸: ۱۹). یافته‌های مطالعه (Lambert and Harris, 1999) نشان داد که خصوصی سازی از لحاظ معیارهای زمان مطلوب ورود و مدت استفاده از عرصه‌های طبیعی و انجام

۳. پاپلی یزدی، محمد حسین. مجید لباف خانیکی. ۱۳۷۹. مرتع نظام‌های بهره‌برداری. مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره پانزده، پیاپی پنجاه و هفت، ۴۰-۷.
۴. توکلی، حسین. محمد فیاض و مریم حسن‌نژاد. ۱۳۹۲. بررسی عملکرد طرح‌های مرتعداری استان خراسان رضوی با رویکرد دلفی فازی و مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره. نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی، جلد بیست و هفتم، شماره یک، ۵۰-۳۷.
۵. جلالی، محمد. عزت‌اله کرمی. ۱۳۸۵. تعیین عوامل مؤثر بر مشارکت مرتعداران در تعاونی‌های مرتعداری استان کردستان. پژوهش و سازندگی، دوره چهارم، شماره هفتم، ۴۵-۳۵.
۶. جوادی، اکبر. لیلا عرب فشافویه و صادق خلیلیان. ۱۳۸۸. تحلیل اقتصادی واگذاری مالکیت مراتع در قالب طرح‌های مرتعداری. فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مرتع و بیابان ایران، جلد شانزدهم، شماره چهار، ۵۱۶-۵۰۵.
۷. حسینی‌نسب، معصومه. ۱۳۸۹. بررسی رابطه بین نوع مالکیت مرتع و وضعیت بهره‌برداری، (با تأکید بر مراتع ییلاقی شهرستان اراک). فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مرتع و بیابان ایران، جلد هفدهم، شماره یک، ۱۷۹-۱۶۶.
۸. حسی پور، ابوطالب. ۱۳۷۲. بررسی ضرورت مشارکت و تعیین نیازهای آموزشی روستاییان دامدار و جنگل نشین برای حفاظت خاک و آبخیزداری در حوزه آبخیز رودخانه هراز آمل. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. استاد راهنما: اسماعیل شهبازی. دانشگاه تربیت مدرس تهران، ۲۴۵ ص.
۹. خاتون‌آبادی، احمد. امیر مظفر امینی و عبدالطاهر میرزاعلی. ۱۳۸۰. عوامل بازدارنده مشارکت دامداران در احیای مراتع آق‌قلا در استان گلستان. علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، دوره پنجم، شماره یکم، ۵۴-۳۹.
۱۰. خلیقی، نعمت‌اله. بهاره چکشی. ۱۳۸۴. بررسی نقش عوامل اقتصادی روستاییان بر میزان مشارکت آنان در اجرای طرح‌های اصلاحی عرصه‌های طبیعی (حوزه آبخیز چهکنند - شهرستان بیرجند). نشریه بیابان، دوره دهم، شماره یکم، ۳۲-۱۵.
۱۱. خلیقی، نعمت‌الله. تاج محمد حسن‌قاسمی. ۱۳۸۰. بررسی میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری.
- دومین سمینار مرتع و مرتعداری، دانشگاه تهران، ۱۰۴-۹۰.
۱۲. رحیمی، هدایت‌الله. ۱۳۷۷. تعیین کارایی اقتصادی طرح‌های مرتعداری اجرا شده و مقایسه آن با سایر مراتع. مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام فارس، انتشارات معاونت آموزش و تحقیقات وزارت جهاد سازندگی، ۴۲ ص.
۱۳. رضانی، علی‌رضا. ۱۳۷۷. ارزیابی خصوصی سازی مراتع در قالب طرح‌های مرتعداری در استان فارس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرتعداری. استاد راهنما: صادق خلیلیان. دانشکده منابع طبیعی و علوم دریایی، دانشگاه تربیت مدرس، ۷۱ ص.
۱۴. سپهرفر، کاظم. ۱۳۷۴. عوامل مؤثر مشارکت در احیاء مراتع منطقه پایتخت گلزار شهرستان اندیمشک استان خوزستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: علی اکبر مهربانی. دانشگاه تربیت مدرس، ۱۴۶ ص.
۱۵. سرمد، زهره. عباس بازرگان و الهه حجازی. ۱۳۸۳. روش تحقیق در علوم رفتاری. چاپ هشتم، تهران، انتشارات آگاه. ۳۲۴ ص.
۱۶. عباسی، قلی. ۱۳۷۵. بررسی موانع و مشکلات اجرای طرح‌های مرتعداری در استان مرکزی. مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام جهاد استان مرکزی، بخش تحقیقات اقتصادی-اجتماعی.
۱۷. عبدالله‌پور، مصطفی. ۱۳۷۶. چرا و چگونه باید زمینه‌های مناسب سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی را در مرتع فراهم نمود. مجموعه مقالات اولین سمینار مرتع و مرتعداری در ایران، سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور- دانشگاه صنعتی اصفهان، ۱۱۴-۱۰۰.
۱۸. میردامادی، سید مهدی و امیرحسین محبوبی. ۱۳۸۲. بررسی نیازهای آموزشی - ترویجی مجریان طرح‌های مرتعداری در شهرستان دماوند. فصلنامه علوم کشاورزی، دوره نهم، شماره اول، ۳۲-۱۷.
۱۹. مظهری، محمد. حمیده خاکسارآستانه. ۱۳۸۸. بررسی تاثیر اجرای طرح‌های مرتعداری بر کارایی مراتع (مطالعه موردی استان خراسان رضوی). نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی). جلد بیست و سوم، شماره دوم، ۲۰-۱۲.
۲۰. نور عینی، حسین. ۱۳۸۵. بررسی برخی عوامل مدیریت چرا در مراتع ییلاقی دو هزار تنکابن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی مرتعداری، استاد راهنما:

- Rangeland Investment Decisions. *Western Journal of Agricultural Economics*, Vol 15, No 2, 186-195.
25. Smith, Mark. 2006. Community participation. available on: www.infed.org/community/b-compar.htm
26. Sserunkuma, Daniel. Chen Ford Runge. 1998. Rangeland degradation in Uganda: The Failures and Future of Privatization. Center for International Food and Agricultural Policy. University of Minnesota. USA, 24 p.
27. Stenseke, M. 2009. Local participation in cultural landscape maintenance: Lessons from Sweden. *Land Use Policy*, 26 (2): 214-223.
- نعمت‌اله خلیفی. دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، ۷۰ ص.
۲۱. وزارت جهاد کشاورزی. ۱۳۹۲. آمارنامه کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی. جلد دوم. وزارت جهاد کشاورزی، معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی، مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات. ۳۸۷ ص.
22. Coelho, Vera Schattan. Arilson Favareto. 2008. Questioning the relationship between participation and development. *World Development*, 3(12): 2937-2952.
23. Cousins, Ben. 2000. Tenure and common property resource in Africa. In: tuolumne, C., Guan, J.F. evolving land right, policy and tenure in Africa. 151-180.
24. Lambert David. Thomas Harris. 1999. Stochastic Dynamic Optimization and

